

مقاله پژوهشی

تحلیل عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی شهرستان اردبیل

وکیل حیدری ساربان^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۱۴ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۰۸ اردیبهشت ۱۳۹۹

چکیده

هدف این مقاله تحلیل عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد. این تحقیق، از لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ کنترل بر متغیرها از نوع تحقیقات توصیفی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل جوانان ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل می‌باشد ($N=49297$)، که از این میان تعداد ۳۸۲ نفر بر اساس فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. سپس نمونه‌ها با استفاده نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سئوالات تحقیق، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی پرسشنامه و مصاحبه بوده است. روایی صوری پرسش نامه توسط پانل متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسشنامه صورت گرفت. نتایج حاصل از ضریب آلفای کرونباخ نشان داد که پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه تحقیق ۰/۷۹ الی ۰/۸۵ است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج تکنیک تحلیل عاملی نشان داد مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی در منطقه مورد مطالعه شامل چهار مؤلفه تقویت سرمایه اجتماعی، تقویت سرمایه روان‌شناختی، تقویت ظرفیت‌های شناختی و باورهای دینی و ارتقای میزان برخورداری و حاکمیت فضای نشاط و امیدواری است که درصد واریانس تبیین شده توسط این چهار عامل ۶۱/۶۲ می‌باشد. در نهایت جهت برون رفت از معضل بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی سازوکاری تدبیر گردد که ارزش‌های معنوی و اخلاقی جایگزین ارزش‌های مادی و دنیوی شود.

کلمات کلیدی: خودبیگانگی، جوانان، بحران هویت، توسعه روستایی، اردبیل.

۱- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی
*نویسنده مسئول: (Vheidari56@Gmail.com)

مقدمه

بیگانگی و ابعاد نظیر آن بی قدرتی، بی معنایی، بی هنجاری، انزوا، تنفر فرهنگی و تنفر از خود یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در اکثر فرهنگ‌ها به عنوان یک معضل و مسأله اجتماعی شناخته شده است. با وجود این که معرفی آن به وسیله هگل و مارکس^۱ انجام گرفته؛ ولی این مفهوم در متون مختلف تعریف شده است که نگرش‌های مختلف محققانی که این مفهوم را مورد مطالعه قرار داده‌اند منعکس می‌کند (ماسی و همکاران^۲، ۲۰۱۴). به عبارتی، بیگانگی، از مفاهیمی است که در تاریخ تفکر اجتماعی قدمت و سابقه طولانی دارد. هر چند مفهوم بیگانگی به‌ویژه به گونه‌ای که به اشتغال مربوط می‌شود، نخستین بار به صورت نظام یافته در آثار مارکس مطرح شد، به نظر ایشان بیگانگی حالتی است که در آن بشر مقهور نیروهایی می‌شود که خود خلق کرده است؛ این نیروها به مثابه قدرت‌هایی بیگانه در برابر او قد علم می‌کند (دیلینی^۳، ۲۰۰۴). مفهوم «از خودبیگانگی»، نخستین بار به وسیله هگل وارد حوزه فلسفه شد. از منظر وی، ذهن، بناهای فکری و اجتماعی و اشیاء را می‌سازد، اما این‌ها که در حکم آفریده بشر هستند، مستقل از وجود به نظر می‌رسند و در حکم واقعیاتی جداگانه تصور می‌شوند؛ بنابر این ذهن در آثار خویش، با خود بیگانه می‌شود (پرهام و آرون، ۱۳۷۷). هگل بر این باور بود که هر زمان چیزی که از ما و جزئی از ما است به نظر خارجی و بیگانه برسد از خودبیگانگی رخ می‌دهد. مهم‌تر این که به زعم ایشان بشر زمانی به آزادی دست می‌یابد که بر این «از خودبیگانگی»، غلبه کند، یعنی اثر دست و کار خود را در چهره جهان تشخیص دهد.

تاکنون تعاریف متعددی از بیگانگی اجتماعی از منظر

اندیشمندان در ادوار مختلف تاریخی صورت گرفته است. به عنوان نمونه به باور اریک فروم^۴، خودبیگانگی حالتی است که فرد از خود بیگانه خود را مرکز عالم به حساب نمی‌آورد و خالق اعمال خود نیست بلکه اعمال و نتایج آن حاکم بر وی هستند، از آن اطاعت می‌کند و یا حتی آن را ستایش می‌کند. به باور مارکس، بیگانگی به دو وضعیتی گفته می‌شود که در آن کردار شخص به صورت قدرت بیگانه‌ای در می‌آید و به جای این که در اداره او باشد مخالف و مسلط بر وی می‌شود. مارکس بیگانگی را محصول ساختارهای اجتماعی- فرهنگی می‌داند و مالکیت خصوصی، تقسیم کار و روابط اجتماعی تولید در نظام سرمایه‌داری را از عوامل اصلی در بیگانگی انسان از خود، کار، هم‌نوع و طبیعت به شمار می‌آورد. به عبارتی، مارکس مفهوم «از خودبیگانگی»، را از جمله حیطه فلسفی و ماورالطبیعی که هگل برای تشریح وضعیت مورد نظر خود از آن استفاده کرده بود، خارج کرد و به حوزه نقد واقعیات جامعه سرمایه‌داری کشانید. همان‌طور که به نوعی اشاره شد، مارکس «از خودبیگانگی» را در ارتباط با «کار» که از نظر وی انسان با آن قابل تعریف است، توضیح می‌دهد. و نیز، از منظر ایشان، هنگامی که کار تبدیل به وسیله‌ای برای امرار معاش می‌شود و انسان با آن آشیایی را می‌سازد که از او مستقل هستند و حتی بر زندگی‌اش حاکم می‌شوند پدیده «از خودبیگانگی» رخ می‌دهد (پرهام، ۱۳۷۷؛ فولادوند، ۱۳۷۲؛ پرهام، ۱۳۶۲). به گفته پتروویچ^۵ (فولادوند، ۱۳۷۷)، شخص در این اوضاع و احوال از محصول کار خویش یا محیط طبیعی که در آن به سر می‌برد و نیز از خویشتن و استعدادهای انسانی خود که به طور تاریخی پدید آمده‌اند، بیگانه می‌شود.

4- Erich Fromm
5 - Petrovich

1- Hegl and Marx
2- Masi et al
3- Deleany

میچل^۱ نیز بیگانگی اجتماعی را به معنای احساس انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی و عینی بین فرد و محیط پیرامون او (یعنی جامعه، انسان‌های دیگر و خود) تعریف می‌کند. از دیدگاه دورکیم، بیگانگی به نوعی حالت فکری اطلاق می‌شود که فرد در آن به واسطه اختلالات اجتماعی، به نوعی سردرگمی در انتخاب هنجارها، تبعیت از قواعد رفتاری و احساس فتور و پوچی دچار است. هم‌چنین دورکیم مضمون بیگانگی را در بی‌معنایی و بی‌هنجاری ناشی از شرایط آنومیک می‌داند که به دلیل انتقال جامعه از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی ایجاد شده و نتیجه آن جدایی فرد از نظام اجتماعی است (پرهام، ۱۳۷۷). مرتون بیگانگی را با آنومی در نظر می‌گیرد و از دیدگاه او عوامل اصلی ناهنجاری و بیگانگی انسان عدم ارتباط و هماهنگی معقول بین اهداف و وسایل نهادینه شده در جامعه است و عقیده دارد که آنومی اجتماعی اثرات متقابل بر افراد با توجه به موقعیت‌هایی که آن‌ها در ساختار اجتماعی اشغال کرده‌اند می‌گذارد. به باور فردیریگ^۲ (۱۹۸۳)، بیگانگی محصول و نارضایتی است. از منظر موهان و تیوانا^۳ (۱۹۹۹)، بیگانگی اجتماعی به فراگرد جداافتادگی، انفصال فرد از نظام ارزش‌ها، باورهای فرهنگی، هنجارها و نهادهای اجتماعی اطلاق می‌شود. از دید تاویس^۴ (۱۹۶۹)، بیگانگی اجتماعی عبارتست از: حالتی برای افراد که احساس می‌کنند نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند خردکننده و مغایر با برخی از نیازمندی‌های آنان است، به طوری که موجب جدایی و عدم تعلق آنها نسبت به آن شده است و حتی گاه سعی در نفی نظام اجتماعی و ضوابط حاکم بر آن می‌کنند. به زعم دورتی و لیتتون^۵ (۲۰۰۴)، بیگانگی اجتماعی مفهومی است که از زیرمجموعه‌های بیزاری به شمار می‌رود و به شدت با تنهایی گره خورده است. بیگانگی، هم‌چنین مترادف

فقدان عقل و منطق است که منجر به ابراز عجز در برابر شناخت واقعیات زندگی می‌گردد (آراسته‌خو، ۱۳۶۹). به باور سیمن^۶ (۱۹۵۹)، بیگانگی اجتماعی احساس یا وضعیتی است که هر فرد در رابطه با خود، دیگران و جامعه به اشکال گوناگون احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، انزوای اجتماعی، تنفر فرهنگی و تنفر از خود را بروز می‌دهد.

به طور کلی بر اساس حیطة تفحص، تبع حوزه مطالعاتی، نظریه‌های بیگانگی را به طور عام می‌توان در دو قلمرو نظری جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و جغرافیایی قرار داد. در قلمرو جامعه‌شناسی، آراء و نظریات جامعه‌شناسی در باب بیگانگی عمدتاً در دو نحله فکری و حوزه نظری یعنی نظریه نظم اجتماعی و نظریه انتقادی متمرکز است. در قلمرو روان‌شناسی نیز دو رویکرد روان‌پویایی و نظریه سازوکار دفاعی مدنظر است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱) نظریه نظم اجتماعی جامعه را دستگاهی متشکل از اجزای هماهنگ با ارزش‌های هم‌رنگ می‌داند که لاینقطع محدوده خود را حفظ و نگهداری و در وفاق و تعادل و توازن زندگی می‌کند. هر گونه تزلزلی در سلطه جامعه و اقتدار آمرانه آن سبب سرگشتگی و تباهی انسان می‌شود. مفهوم اساسی در نظریه نظم اجتماعی و از هم گسیختگی نظم آن است که در نزد نظریه‌پردازانی چون دورکیم بی‌هنجاری یا آنومی خوانده می‌شود. از سوی دیگر، نظریه انتقاد اجتماعی، نظام اجتماعی را مجموعه‌ای از تضادها و کشاکش‌های دائمی میان گروه‌ها، قشرها و طبقاتی می‌داند که دارای منافع، اهداف و آرمان‌های متفاوتی‌اند. نظریه انتقادی با گرایش‌هایی که به اصالت انسان دارد و انسان را خودآفرین، تاریخ‌آفرین و جامعه‌آفرین می‌داند، سرشت آدمی را با کار و آفرینندگی انسان مشخص می‌کند. اما این برداشت از سرشت آدمی را با توجه به نظریه الیناسیون و منطق جدلی باید درک و فهم نمود. از مقایسه دو

1 - Mitchell
2 - Friedberg
3 - Mohan & Tiwana
4 - Tavis
5 - Daugherty & Linton

قرارگیری در کنار جاده اصلی و دور از جاده اصلی و دسترسی به مراکز فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از جمع و نهادها و هنجارهای اجتماعی روستایی فاصله می‌گیرند به این مفهوم که در روستاهای نزدیک به شهر و هم‌چنین روستاهای دشتی و روستاهای واقع در نزدیکی شهر به دلیل داشتن انسجام ارگانیکی، جوامع روستایی بیگانگی اجتماعی بیش‌تری را تجربه می‌کنند، و افزون بر این، از آن‌جا که روستاهای متأثر از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات که در نزدیکی مناطق شهری و جاده‌های اصلی و مناطق حاصل‌خیز به لحاظ خاک کشاورزی و مراتع پر بار قرار دارند بیش‌تر فتیله جمع‌گرایی را به نفع فردگرایی پایین می‌کشند، هویت فردی برای خود تعریف می‌کنند، سبک زندگی مدرن پیش می‌گیرند، پیوندهای ذهنی و عینی خود را با محیط روستا تضعیف می‌کنند، افراد روستایی از نظام اجتماعی جدا می‌شود و از نظام ارزش‌ها و باورهای فرهنگی جوامع روستایی کناره‌گیری می‌کنند پس روشن می‌شود که موقعیت جغرافیایی و فضایی نقش به‌غایت تعیین‌کننده‌ای در تشدید و تضعیف بیگانگی اجتماعی روستاییان بازی می‌کند. تاکنون مطالعات چندی در خصوص موضوع مورد مطالعه صورت گرفته که در ذیل به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود. مطالعات سوامی^۵ (۲۰۱۲)، نشان داد که بین تقویت تعاملات و ارتباطات اجتماعی، تقویت خودکنترلی، تسهیل دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی و سلامت روحی و روانی با کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی رابطه معناداری وجود دارد. مورای^۶ (۲۰۱۰)، در یافته‌های میدانی خود به این نتیجه رسید که هرچه جوانان روستایی به ارزش‌ها و هنجارهای متعارف جامعه روستایی پایبند بوده و نسبت به هم‌نوعان خود احساس تعلق بیش‌تری داشته باشند به همان میزان کمتر از جامعه کنده شده و بیگانه از جامعه روستایی می‌شوند.

نظریه نظم اجتماعی و انتقاد اجتماعی می‌توان استنباط کرد که ماهیت مسائل اجتماعی در نظریه نظم اجتماعی بی‌هنجاری (آنومی) است، حال آن‌که در نظریه انتقاد اجتماعی بیگانگی انسان از فرآورده‌های فرهنگی و اجتماعی در نظر می‌آید. بیگانگی از عملکرد کل نظام اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و علل اصلی را باید در ناهم‌سازی کارکرد نظام اجتماعی با نیازهای انسانی جستجو کرد (زکی، ۱۳۸۸) در حوزه روان‌کاوی نیز از خودبیگانگی به عنوان گونه‌ای بیماری و مرض روانی در نظر گرفته شده است که از اختلالات و نابسامانی‌ها در یکی از لایه‌های سه‌گانه شخصیت (نهاد- من- من برتر) یا روابط آن‌ها با یکدیگر پدید می‌آیند. دسته اول روان‌کاوان که پیرو نظریه روان‌پویایی هستند در تبیین بیگانگی هم به انگیزه رفتار و هم به کنترل و بازبینی اجتماع عنایت دارند. این نظریه‌پردازان (برای نمونه اریک فروم، جان دالارد^۱، فردرینبرگ، اریکسون^۲ و گودمن^۳) به تجربه فرد خصوصاً تجارب دوران کودکی توجه خاص داشته‌اند و معتقدند که تبیین مسئله بیگانگی به چگونگی تعیین نواقص و معایبی که در ساخت بازبینی اجتماعی وجود دارد و نیز تشخیص این نواقص از طریق بررسی سرگذشت زندگی فرد مربوط می‌گردد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱). در مقابل دسته دوم روان‌کاوان، بیگانگی را در ارتباط با نظریه سازوکار دفاعی تبیین کرده‌اند. نظریه‌پردازانی همچون فیوژروکنیستون^۴ بیگانگی را معلول عدم تجانس و ناسازگاری بین تمنیات و آرزوهای درونی فرد و شخصیت هستند. این ناسازگاری موجب احساس گناه، دلهره، اضطراب و نگرانی در فرد می‌شود. در حوزه جغرافیایی و فضایی، نظریات چندی گویای این واقعیت است که ساکنان مناطق روستایی به تناسب دوری و نزدیکی به شهر و قرارگیری در روستاهای کوهپایه‌ای، دشتی و کوهستانی و

1 - John Dollard

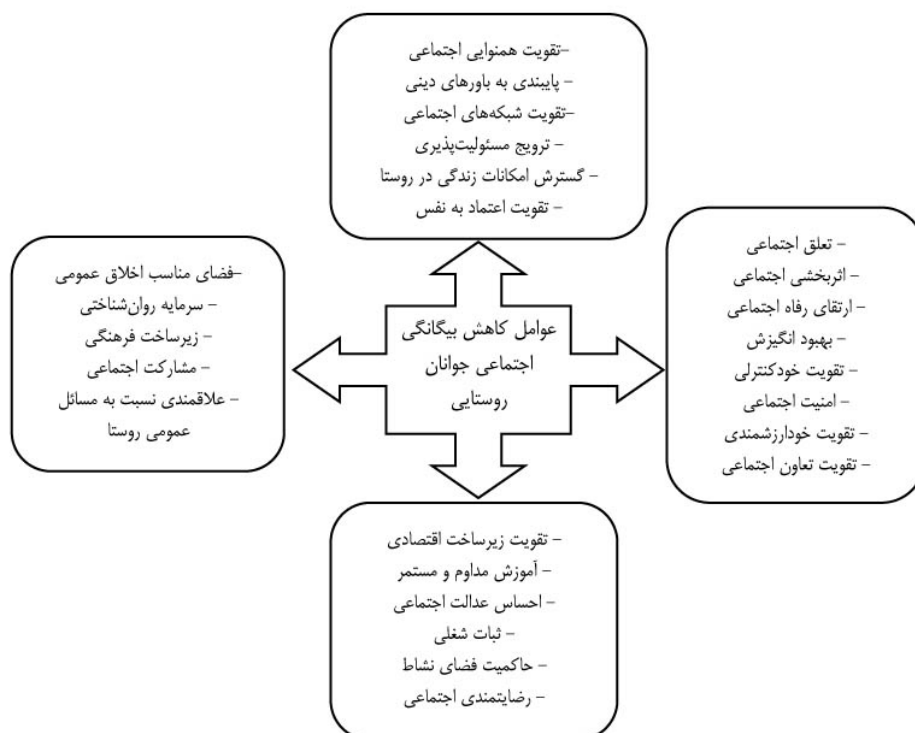
2 - Erikson

3 - Goodman

4 - Feioser and Kenston

5 - swami

6 - Murray



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق، منبع: (نگارنده، ۱۳۹۸)

حاکمی از آن است که گسترش امکانات زندگی در روستا، آموزش مداوم و مستمر، حاکمیت فضای نشاط و امیدواری، احساس عدالت اجتماعی و ثبات شغلی از متغیرهای تأثیرگذار بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی است. از منظر ماتوس^۵ و همکاران (۲۰۱۷)، بین متغیرهای بهبود زیرساخت فرهنگی، رضایتمندی اجتماعی، تقویت خودارزشمندی و شکوفایی اجتماعی و کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی رابطه معنادار وجود دارد.

طبق آن چه گفته شد و با توجه به این که بخش عظیمی از جمعیت روستایی شهرستان اردبیل را جوانان تشکیل می‌دهند و از آنجا که احساس بیگانگی اجتماعی در جوانان اعم از جوانان ساکن در سکونتگاه‌های انسانی شهر و روستا می‌تواند پیامدهای

به باور رایس^۱ و همکاران (۲۰۱۲)، هر چقدر جوانان روستایی در قبال وظایف محوله احساس مسئولیت کرده و در فعالیت‌های توسعه‌ای مناطق روستایی درگیر شوند به همان میزان از بی‌تفاوتی اجتماعی آنان کاسته می‌شود. به باور تیواری و روهلا^۲ (۲۰۱۵)، ارتقای رفاه اجتماعی، تقویت اعتماد اجتماعی - نهادی، بهبود انگیزش و تقویت هم‌نوایی اجتماعی از متغیرهای تأثیرگذار در کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی است. نتایج تحقیق ایلاردی^۳ (۲۰۱۵)، نشان داد که متغیرهای سرمایه روان‌شناختی، توانمندسازی فکری و تقویت زیرساخت اقتصادی تأثیر معناداری بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی داشته است. مطالعات ویکتور و یانگ^۴ (۲۰۱۵)،

1 - Rayce
2 - Tiwari and Ruhela
3 - Ilardi
4 - Victor and Young

استفاده نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این نوع نمونه گیری هر یک از اعضای جامعه تعریف شده شانس برابر و مستقلی برای قرار گرفتن در نمونه دارند. منظور از مستقل بودن این است که انتخاب یک عضو در انتخاب سایر اعضای جامعه تاثیری ندارد. به عبارت دیگر اگر حجم افراد جامعه N و حجم نمونه را n فرض کنیم، احتمال انتخاب هر فرد جامعه در نمونه مساوی n/N است. انتخاب نمونه تصادفی را به سه شیوه می توان انجام داد: شیوه اول به صورت قرعه کشی، شیوه دوم با استفاده از جدول اعداد تصادفی و شیوه سوم با نرم افزارهای رایانه ای.

جوان در جوامع گوناگون با توجه به شرایط متغیر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به شیوه های گوناگون تعریف شده است. در تعاریف ارائه شده از سوی بیشتر کشورهای جهان، جوانی سنین ۱۵-۲۵ سالگی است و در تعاریف بسیاری از جوامع در حال توسعه تصورها و تعاریف از جوانان به بیش از ۲۴ سال می رسد. در ایران نیز گروه سنی ۱۴-۲۹ سال را جوان می دانند (قادرزاده امید و رادمان، مهدی، ۱۳۹۷).

در این تحقیق، نمونه گیری به این صورت بود که ابتدا تعداد روستای نمونه تحقیق انتخاب گردید که در این تحقیق، انتخاب روستاهای نمونه تحقیق، با در نظر گرفتن تعداد کل روستاها، تعداد جمعیت، دوری و نزدیکی نسبت به شهر، شاخص وضعیت ارتفاع (کوهستانی، جلگه ای، جلگه ای - کوهستانی) و قرارگیری روستا در کنار جاده اصلی و یا دور از جاده اصلی، تعداد روستاهای نمونه تحقیق بر اساس نمونه گیری تصادفی طبقه ای تعیین گردیدند و داده های خام برای اندازه گیری شاخص ها از طریق مصاحبه و پرسشنامه گردآوری گردید. روایی صوری پرسشنامه توسط پانل متخصصان جامعه شناسی و برنامه ریزی روستایی مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسشنامه صورت گرفت و پایایی بخش های مختلف پرسشنامه تحقیق ۰/۷۹ الی ۰/۸۵ بدست آمد. هم چنین از طریق ابزار پرسشنامه، مؤلفه های کاهش

مختلف فردی، اجتماعی و روانی و غیره داشته باشد، بنابراین لازم است عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی به عنوان مسأله و معضل اجتماعی-فرهنگی، بررسی و دنبال شود به این خاطر که تجزیه و تحلیل شرایط موجود مناطق روستایی، نشان دهنده ناهمسازی ها، از هم پاشیدگی ها و جدایی ها است که اخیراً با گسترش رسانه های جمعی و تغییر و تحولات در فن آوری اطلاعات و ارتباطات رشد نموده اند. به زبان دیگر، طی چند سال گذشته، در نواحی روستایی شهرستان اردبیل یک سری اتفاقات و مسائلی از قبیل بیگانگی اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی، انزوای اجتماعی، احساس بی معنایی، احساس بی هنجاری، احساس بی قدرتی، تشدید تنفر از خود و تنفر فرهنگی و غیره در میان جوانان روستایی رخ داده است که با تداوم و استمرار می تواند توسعه پایدار مناطق روستایی را با چالش های جدی مواجه سازد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی شهرستان اردبیل صورت گرفته است. در این راستا سوال اساسی تحقیق این است که عوامل اثرگذار بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی در شهرستان اردبیل کدامند. برای این مهم، ابتدا مبانی نظری بیگانگی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته، سپس با ارائه متغیرهای تحقیق عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماع جوانان در مناطق روستایی شهرستان اردبیل در قالب مدل مفهومی تحقیق ارائه شده است.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق، از لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ کنترل بر متغیرها از نوع تحقیقات توصیفی و از نظر نحوه گردآوری داده ها پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کل جوانان ساکن در مناطق روستایی شهرستان اردبیل می باشد ($N=49297$)، که از این میان تعداد ۳۸۲ نفر بر اساس فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. سپس نمونه ها با

حالت می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. در بخش آمار توصیفی با استفاده از آماره‌هایی نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شد. در بخش استنباطی مهم‌ترین روش آماری به کار رفته در این پژوهش تحلیل عاملی است.

بیگانگی اجتماعی به کمک ۳۲ سؤال مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیازدهی آن از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده گردید. در مرحله امتیازدهی، از آن‌جا که دسته‌ای از سؤالات در جهت منفی مطرح شده‌اند، کدگذاری مجدد برای این دسته از سؤالات انجام شد. بنابراین، امتیاز پاسخ‌ها در سؤالات با جهت مثبت به صورت: ۵=کاملاً موافقم، ۴=موافقم، ۳=نظری ندارم، ۲=مخالقم و ۱=کاملاً مخالفم و در مورد سؤالات منفی عکس این

جدول ۰۱. اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی

نمره	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
۱	تقویت هم‌نوایی اجتماعی	۴/۹۸	۰/۶۵
۲	پایبندی به باورهای دینی و مذهبی	۴/۸۶	۰/۹۵
۳	تقویت زیرساخت اقتصادی	۴/۸۱	۰/۳۲
۴	آموزش مداوم و مستمر	۴/۷۲	۰/۳۶
۵	احساس عدالت اجتماعی	۴/۶۵	۰/۴۵
۶	ثبات شغلی	۴/۵۹	۰/۷۸
۷	حاکمیت فضای نشاط و امیدواری	۴/۴۵	۱/۰۳
۸	علاقتمندی نسبت به مسائل عمومی روستا	۴/۳۹	۰/۳۳
۹	فضای مناسب اخلاق عمومی	۴/۳۱	۰/۲۶
۱۰	تقویت سرمایه روان‌شناختی	۴/۲۹	۱/۰۷
۱۱	بهبود زیرساخت فرهنگی	۴/۲۲	۱/۱۲
۱۲	رضایتمندی اجتماعی	۴/۱۹	۱/۰۹
۱۳	تقویت خودارزشمندی	۴/۱۵	۰/۶۷
۱۴	مشارکت اجتماعی در برنامه‌های مرتبط با توسعه مناطق روستایی	۴/۰۹	۰/۸۳
۱۵	شکوفایی اجتماعی	۳/۹۷	۰/۶۰
۱۶	تقویت تعاون اجتماعی	۳/۹۵	۰/۸۰
۱۷	تقویت شبکه‌های اجتماعی	۳/۸۷	۱/۱۶
۱۸	ترویج مسئولیت‌پذیری	۳/۷۵	۰/۹۴
۱۹	گسترش امکانات زندگی در روستا	۳/۶۹	۰/۳۷
۲۰	تقویت اعتماد به نفس	۳/۵۸	۱/۱۷
۲۱	تعلق اجتماعی	۳/۵۵	۰/۲۰
۲۲	پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای متعارف جامعه روستایی	۳/۴۹	۰/۸۰
۲۳	تقویت اثربخشی اجتماعی	۳/۳۶	۱/۰۱
۲۴	ارتقای رفاه اجتماعی	۳/۳۱	۰/۹۶
۲۵	تقویت اعتماد اجتماعی - نهادی	۳/۲۹	۰/۹۰
۲۶	تسهیل ادغام اجتماعی	۳/۱۹	۰/۵۰
۲۷	بهبود انگیزش	۳/۱۴	۰/۱۲
۲۸	تقویت تعاملات اجتماعی	۳/۱۱	۰/۱۹
۲۹	سلامت روحی و روانی	۲/۹۹	۰/۴۷
۳۰	تسهیل دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی	۲/۸۷	۰/۶۹
۳۱	تقویت خودکنترلی	۲/۷۸	۰/۷۰
۳۲	امنیت اجتماعی	۲/۶۵	۰/۷۲

نتایج

به منظور تعیین مهم ترین عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی شهرستان اردبیل، میانگین رتبه ای نظر جوانان روستایی منطقه مورد مطالعه محاسبه و اولویت بندی گردید. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود تقویت هم نوایی اجتماعی، پایبندی به باورهای دینی و مذهبی، تقویت زیرساخت اقتصادی و آموزش مداوم و مستمر جزو مهم ترین عوامل اولویت بندی شده است.

برای تعیین مهم ترین عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی

اجتماعی جوانان روستایی شهرستان اردبیل، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می دهد که جهت تعیین انسجام درونی داده ها برای بهره گیری از تکنیک تحلیل عاملی از آزمون KMO و بارتلت استفاده شده است. در این بخش مقدار KMO برابر ۰/۵۹۹ و نیز آماره بارتلت برای تعیین عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی در منطقه مورد مطالعه نیز برابر با ۷۱۲/۲۳۳ به دست آمد که در سطح یک درصد معنی دار می باشد. بنابراین داده های موجود برای تحلیل عاملی مناسب تشخیص داده شدند.

جدول ۲. مقدار KMO و آزمون بارتلت

Sig	Bartlet Test	KMO	تحلیل عاملی
۰/۰۰۰	۷۱۲/۲۳۳	۰/۵۹۹	عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی

همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می شود در این تحقیق، پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، ۴ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی در منطقه مورد مطالعه استخراج شد و این ۴ عامل در مجموع ۶۱/۶۲ درصد از واریانس کل را تبیین می کنند.

جدول ۳ عامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه و درصد واریانس را بعد از چرخش نشان می دهد. طبق نتایج، عامل اول بیش ترین سهم (۱۸/۸۸ درصد) و عامل چهارم کم ترین سهم (۱۲/۹ درصد) را در تبیین واریانس کل متغیرها دارا می باشد.

جدول ۳. عوامل استخراج شده با مقادیر ویژه و درصد واریانس بعد از چرخش

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
عامل اول	۶/۰۴	۱۸/۸۸	۱۸/۸۸
عامل دوم	۵/۱۲	۱۶/۰۱	۳۴/۸۹
عامل سوم	۴/۴۲	۱۳/۸۲	۴۸/۷۲
عامل چهارم	۴/۱۲	۱۲/۹	۶۱/۶۲

هم چنین برای تعیین سطح معنی داری و بیان نقش هر متغیر در عامل مربوط، در پژوهش حاضر متغیرهایی که بار عاملی بیش از ۰/۴ داشتند مدنظر قرار گرفتند. بر اساس نتایج جدول ۴، متغیرهایی که در هر یک از چهار عامل مذکور قرار می گیرند، عبارتند از:

عامل اول: تقویت هم نوایی اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تقویت اعتماد اجتماعی - نهادی، تقویت تعاون اجتماعی، تسهیل ادغام اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، امنیت اجتماعی، تقویت شبکه های اجتماعی و تعلق اجتماعی در این عامل جای می گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای

است که بر اساس آن کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی با تقویت سرمایه اجتماعی، تقویت سرمایه روان شناختی، تقویت ظرفیت های شناختی و باورهای دینی و ارتقای میزان برخورداری و حاکمیت فضای نشاط و امیدواری در منطقه مورد مطالعه ارتباط دارد.

مطابق جدول ۴، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی از منظر هم افزایی نیروها، تقویت پیوندهای اجتماعی، تبادل اجتماعی بالا و تعامل همکاریانه، تقویت انجام کار جمعی و گروهی، تقویت اعتماد متقابل و تقویت روابط شخصی، افزایش روحیه انتقاد پذیری و اشتراک اطلاعات و دانش و غیره ایفا می کند که متولیان و مسئولان مربوطه باید گام اساسی در راستای تقویت سرمایه اجتماعی بردارند.

در خصوص رابطه سرمایه روان شناختی با کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی باید گفت که تقویت سرمایه روان شناختی به کاهش بی تفاوتی اجتماعی، احساس بی معنایی، انزوای اجتماعی، تنفر فرهنگی، تنفر از خود منتهی می شود به این صورت که به باور سلیگمن^۱ (۲۰۱۴) سرمایه روان شناختی جنبه های مثبت زندگی آدمی را تقویت و جنبه های منفی زندگی آدمی را تضعیف می کند. هم چنین به باور لوتانز^۲ (۲۰۰۶)، ریشه بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی همانند تنبلی، استیصال، اضطراب، افسردگی، یاس، ناامیدی، احساس تنهایی، احساس بی هنجاری و بیگانگی اجتماعی به پایین بودن میزان سرمایه روان شناختی بر می گردد که تقویت سرمایه روان شناختی می تواند از بروز بحران های اجتماعی همانند بیگانگی اجتماعی ممانعت کند.

تأثیرگذار، عامل اول تحت عنوان عامل «تقویت سرمایه اجتماعی» نامیده می شود. که این عامل با مقدار ویژه ۶/۰۴ در مجموع ۱۸/۸۸ درصد از واریانس کل را تبیین می کند.

عامل دوم: تقویت سرمایه روان شناختی، احساس عدالت اجتماعی، تقویت خودارزشمندی، بهبود انگیزش، تقویت خودکنترلی، سلامت روحی و روانی، تقویت تعاملات اجتماعی، ترویج مسئولیت پذیری، تقویت اعتماد به نفس در این عامل جای می گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، عامل دوم تحت عنوان عامل «تقویت سرمایه روان شناختی» نامیده می شود که با مقدار ویژه ۵/۱۲، در مجموع (۱۶/۰۱) درصد از واریانس کل را تبیین می کند.

عامل سوم: تسهیل دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی، تقویت اثربخشی اجتماعی، پایبندی به ارزش ها و هنجارهای متعارف جامعه روستایی، فضای مناسب اخلاق عمومی، بهبود زیرساخت فرهنگی، پایبندی به باورهای دینی و مذهبی و آموزش مداوم و مستمر در این عامل جای می گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، عامل سوم تحت عنوان عامل «تقویت ظرفیت های شناختی و باورهای دینی» نامیده می شود. که با مقدار ویژه ۴/۴۲، در مجموع ۱۳/۸۲ درصد از واریانس کل را تبیین می کند.

عامل چهارم: تقویت زیرساخت اقتصادی، ثبات شغلی، گسترش امکانات زندگی در روستا، ارتقای رفاه اجتماعی، علاقمندی نسبت به مسائل عمومی روستا و حاکمیت فضای نشاط و امیدواری در این عامل جای می گیرند که با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، عامل چهارم تحت عنوان عامل «ارتقای میزان برخورداری و حاکمیت فضای نشاط و امیدواری» نامیده می شود. که این عامل با مقدار ویژه ۴/۱۲، در مجموع ۱۲/۹ درصد از واریانس کل را تبیین می کند.

در نهایت با توجه به نتایج فوق، عوامل مؤثر بر کاهش بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی در جدول ۴ نشان داده شده

جدول ۴. متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و بار عاملی بدست آمده از ماتریس دوران یافته (نگارنده، ۱۳۹۸)

بار عاملی	متغیرها	نام عامل	
۰/۹۸	تقویت هم‌نوایی اجتماعی	تقویت سرمایه اجتماعی	
۰/۹۴	رضایتمندی اجتماعی		
۰/۹۲	مشارکت اجتماعی در برنامه‌های مرتبط با توسعه مناطق روستایی		
۰/۸۷	تقویت اعتماد اجتماعی - نهادی		
۰/۴۹	تقویت تعاون اجتماعی		
۰/۴۷	تسهیل ادغام اجتماعی		
۰/۸۵	شکوفایی اجتماعی		
۰/۸۱	امنیت اجتماعی		
۰/۶۲	تقویت شبکه‌های اجتماعی		
۰/۵۲	تعلق اجتماعی		
۰/۵۸	تقویت سرمایه روان‌شناختی		
۰/۸۳	احساس عدالت اجتماعی		
۰/۶۹	تقویت خودارزشمندی		
۰/۶۱	بهبود انگیزش		
۰/۵۷	تقویت خودکنترلی	تقویت سرمایه روان‌شناختی	
۰/۵۹	سلامت روحی و روانی		
۰/۵۴	تقویت تعاملات اجتماعی		
۰/۸۰	ترویج مسئولیت‌پذیری		
۰/۶۷	تقویت اعتماد به نفس		
۰/۹۰	تسهیل دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی		
۰/۸۶	تقویت اثربخشی اجتماعی		
۰/۷۷	پایبندی به ارزش‌ها و هنجارهای متعارف جامعه روستایی		
۰/۶۰	فضای مناسب اخلاق عمومی		تقویت ظرفیت‌های شناختی و باورهای دینی
۰/۵۶	بهبود زیرساخت فرهنگی		
۰/۷۶	پایبندی به باورهای دینی و مذهبی		
۰/۷۴	آموزش مداوم و مستمر		
۰/۸۸	تقویت زیرساخت اقتصادی	ارتقای میزان برخورداری و حاکمیت فضای نشاط و امیدواری	
۰/۸۲	ثبات شغلی		
۰/۷۰	گسترش امکانات زندگی در روستا		
۰/۷۵	ارتقای رفاه اجتماعی		
۰/۷۹	علاقتمندی نسبت به مسائل عمومی روستا		
۰/۷۸	حاکمیت فضای نشاط و امیدواری		

مشخصی را برای افراد پدید آورد. هم‌چنین به باور برگر^۲ (۱۹۸۰)، دین از طریق معنی بخشی و مشروع سازی هنجارهای اجتماعی، نظم موجود را تثبیت می‌کند و مانعی برای بیگانگی اجتماعی فرد از نظام ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌گردد و نیز، دین در سراسر تاریخ یکی از مؤثرترین دژهای بشر در برابر

پیرامون تقویت ظرفیت‌های روان‌شناختی و باورهای دینی در تقلیل بیگانگی اجتماعی جوانان بینگر^۱ (۱۹۸۵)، بر این باور است که دین نقش مهمی در حل مسائل معاشناختی بشر، عامل اصلی خلق ارزش‌ها و هنجارهای عملی برای معنایابی است به زعم ایشان، عضویت در گروه‌های دینی می‌تواند هویت ثابت و

بی‌هنجاری بوده است.

در نهایت در خصوص ارتباط میزان برخورداری و حاکمیت فضای نشاط و امیدواری با تقلیل بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی باید گفت که هر چه قدر سطح پایگاه اقتصادی افراد پایین‌تر، میزان بیگانگی اجتماعی در بین افراد بیش‌تر و هر چه قدر سطح پایگاه اقتصادی افراد بیش‌تر، احساس بیگانگی در افراد کمتر است که در این ارتباط معقول است مسئولان مربوطه اهتمام به ارتقای شاخص‌های اقتصادی در مناطق روستایی و توانمندسازی اقتصادی جوانان روستایی را در صدر برنامه‌های توسعه‌ای مناطق روستایی قرار دهند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این تحقیق عوامل اثرگذار بر بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی در شهرستان اردبیل را مورد بحث و بررسی قرار داده است. همان‌طور که نتایج تحقیق نشان داد عوامل مؤثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی در منطقه مورد مطالعه به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: تقویت هم‌نوایی اجتماعی، پایبندی به باورهای دینی و مذهبی، تقویت زیرساخت اقتصادی و آموزش مداوم و مستمر به ترتیب در رتبه اول و چهارم و امنیت اجتماعی در رتبه آخر قرار گرفت. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش‌های اودگرز^۱ و همکاران (۲۰۱۵)، شانکار^۲ و همکاران (۲۰۱۵)، و جونز^۳ (۲۰۰۸) هم خوانی دارد. و نیز، نگارنده، با اتکای بر مشاهدات اولیه خود و نتایج حاصل از این تحقیق پیرامون مناطق روستایی شهرستان اردبیل بر این باور است که امروز تعهد اجتماعی جوانان روستایی در سطح پایینی قرار دارد، و نیز جوانان روستایی هویت بومی خود را دارند از دست می‌دهند، خودشان را در کامل‌ترین حالت وجودی‌شان احساس نمی‌کنند و

نیز، جوانان روستایی نسبت به وضع خویش به عنوان انسان آگاهی کمتری دارند، میزان آفرینندگی، آگاهی و اراده مستقل جوانان روستایی در سطح پایینی قرار دارد و سود و منافع و مادیات را بر معنویات و اخلاقیات ترجیح می‌دهند و خودشان را آن چنان که واقعیت و حقیقت دارد، حس نمی‌کنند گویی شخصیت بیگانه‌ای (انسان یا شیء) در آنان حلول کرده و انسان «غیر» را «خود» احساس می‌کنند، و نیز در مناطق روستایی، مصرف‌نمایی و افاده‌ای در سطح بالایی خود را نشان می‌دهد به عبارتی، جوانان روستایی، بیش‌تر به مصرف می‌اندیشند تا تولید و انسان از خودبیگانه با تشبیه به دیگری و مصرف هر آن چه که او مصرف می‌کند خود را ارضا می‌کند و آن چه را فرهنگ خودی موجود است تاریخ مصرف گذشته می‌داند که برای حال و وضع او مضر است. و نیز دیگرخواهی و دیگردوستی دارد از قاموس جوانان روستایی رخت بر می‌بندد. و افزون بر این، جوانان روستایی به راحتی آداب و رسوم و سنن و ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و فرهنگ خویش را وا می‌نهند و این امر سبب می‌شود در آنان، نیازها و رنج‌ها و آلام و دردهایی پدیدار گردد که رنج‌ها و نیازهای واقعی‌شان نیستند. اصلا در شرایط و زمانه و جامعه‌ای که آنان زندگی می‌کنند، چنین مسائلی وجود ندارد آنان مخصوص زمان و مکان دیگر و تاریخ و قوم متفاوتی هستند که شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خاص خویش را دارند. گویی به وسیله فرهنگ دیگر «الینه» شده‌اند. علاوه بر این، بی‌ریشگی و بی‌اصالتی جوانان روستایی شهرستان اردبیل دارد خود را نمایان می‌کند و به شدت تحت تاثیر آن چه به زعم آنان برتر از خودشان است قرار می‌گیرند یعنی ارزش‌ها و ایدئال‌ها و فرهنگ دیگری نیکو شمرده می‌شود هر چه به خود تعلق دارد به خاطر ترس از تحقیر دیگران کنار گذاشته می‌شود. افزون بر این، این تمایل در جوانان روستایی است که همه دارایی‌ها و داشته‌های مادی خود را بفروشند تا کالاهای مصرفی خریداری کنند این امر سبب می‌شود، که نسلی پوچ و پوک به

1 - Odgers
2 - Shankar
3 - Jones

سازوکاری تدبیر گردد که روستاییان به لحاظ روحی، روانی، ذهنی، شخصیتی، معرفی و ظرفیت‌های شناختی دچار تغییر و تحول گردند به این معنی که، ذهن روستاییان بر این نکته مهم پی برد که تنها واقعیت نهایی خود آن‌ها هستند، آن موقع زمان آزادی مطلق که همان رهایی از خودبیگانگی با خود است فرا می‌رسد. و نیز، بر دولت است تمهیداتی ببیند که جوانان روستایی هویت خویش را بر مبنای کار خلاقانه قرار دهند که در حین کار و فعالیت روزمره به ساختن خود نیز مشغول شوند و این چنین اسیر ماشین و تبلیغات ناشی از رسانه‌های جمعی نشده و از خودبیگانگی نشوند. باید گام‌هایی برداشته شود که جوانان روستایی شهرستان اردبیل به تفکر معنوی رهنمون گردند چون که تفکر حسابگرانه و تفکر معنوی هر دو موجه و مورد نیاز است، اما بشر امروز صرفاً به تفکر حسابگرانه می‌پردازد و از تفکر معنوی گریزان است و به «معنای» آن چه بر همه چیز حاکم است تأمل نمی‌کند در نتیجه هر روز بیش‌تر از دیروز از خود بیگانه می‌شود. افزون بر این، بایستی تدابیری اتخاذ گردد تا اراده آزاد و مستقل بر وجود جوانان روستایی حاکم شود به این خاطر که، که امروزه اراده مستقل و خودمختار از جوانان روستایی سلب شده و جوانان روستایی به صورت مهره در آمده و گویی اراده دیگری بر آنان تصمیم‌گیری می‌کند در خصوص، اهمیت این موضوع به قول روسو، «اراده آزاد و قدرت تصمیم‌گیری شریف‌ترین استعداد و موهبت انسانی است که او را از حیوانات متمایز می‌سازد». علاوه بر این، باید این مهم در نظر گرفته شود که تنها رفع بیکاری و اشتغال و محرومیت جوانان روستایی مدنظر قرار نگیرد بلکه اقداماتی صورت گیرد که تمامی زوایای زندگی جوانان روستایی پوشش داده شود چون که در کل، انسان امروزه در حال حرکت به سوی یک جهت شدن است و در یک جهت نیرومند شده، اما در جهات دیگر انسان معطل مانده است که مارکوزه از آن به عنوان انسان «تک بعدی» یاد می‌کند و انسان تک بعدی از خود هیچ استقلال عمل ندارد و به سادگی تحت تاثیر دیگران قرار

وجود آید که ارزش‌های دیگری به راحتی بر آنان تحمیل می‌شود. در نهایت با توجه به نتایج تحقیق، باید تدابیری اندیشید تا انتظارات فزاینده جوانان روستایی شهرستان اردبیل کاهش یابد. مکانیسم‌های جامعه‌پذیری به خصوص نهاد آموزش و رسانه‌های گروهی نقش مهمی را می‌توانند در این زمینه ایفا کنند. بدین ترتیب نحوه آموزش، تدوین برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی و محتوای نوشته‌های رسانه‌های چاپی به گونه‌ای نباشد که انتظارات ارزشی را خلق سازند که افراد جامعه روستایی و به خصوص نسل جوان روستایی شهرستان اردبیل توانایی‌های لازم برای دسترسی به آن انتظارات ارزشی را نداشته باشد. هم‌چنین مطلوب است که مدارس با ایجاد جو دوستانه و برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و ایجاد فضاهای گفتگومانی بیگانگی اجتماعی جوانان روستایی را تقلیل دهند تا به دنبال آن تبعات ناشی از بیگانگی اجتماعی تقلیل یابد. با توجه به این که سرمایه اجتماعی یک اصل محوری در راه مشارکت اعضای جوامع روستایی در نیل به توسعه محسوب می‌شود. از این رو لازم است که علاوه بر خلق و گسترده ساختن زمینه‌ها و بسترهای تعاملات و پیوند اجتماعی برای افراد روستایی به خصوص نسل جوان روستایی، بر روی دو رکن اساسی و مهم سرمایه اجتماعی که اعتماد و مشارکت اجتماعی هستند توجه ویژه‌ای از سوی مسئولان و متولیان برنامه ریزی توسعه روستایی صورت گیرد. هم‌چنین مطلوب است که استانداردهای زندگی روستایی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل و به ویژه در روستاهای کوهستانی و کوهپایه‌ای بهبود یابد. باید در نظر داشت که، از بین بردن نشانه‌های تبعیض فضایی و منطقه‌ای و حاکمیت عدالت فضایی کمک می‌کند تا احساس ناکامی و اجحاف در شهروندان روستایی به خصوص نوجوانان و جوانان که سرشار از هیجان و انرژی بوده و آماده تخلیه هیجانی هستند، کاهش یافته و آن‌ها بتوانند از امکانات مورد نیاز خود در محل زندگی نیز بهره‌مند شوند. و نیز، بایستی در مناطق روستایی شهرستان اردبیل

روستایی صورت گیرد، گزینه تربیت انسان های اهل رضایت به جای انسان های اهل موفقیت در دستور کار قرار گیرد، رنج و ریاضت را جزئی از زندگی و به قول «نیچه» جهت برون رفت از میان‌مایگی در بین جوانان روستایی شهرستان اردبیل به واسطه رسانه های همگانی ترویج دهند تا جوانان روستایی مکانیزم های تقویت کننده از خودبیگانی را تضعیف و مکانیزم های تضعیف کننده از خودبیگانی را تقویت نمایند.

می‌گیرد و جهت رفع این معضل و مشکل، جوانان روستایی باید به سمت «تولید فکری» سوق داده شوند و تنها یک مصرف کننده صرف باقی نمانند و بتوانند استقلال انسانی خویش را حفظ کنند. افزون بر مسئولان است، که جهت برون رفت از این مشکل و معضل خودبیگانگی یک انقلاب فکری و فرهنگی راه بیندازند، تغییر و تحول اساسی در بنیاد و نهادهای اجتماعی ایجاد کنند، یک بازاریابی اساسی در نظام اعتقادی و ارزشی

منابع

- آراسته خو، محمد. ۱۳۶۹. نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی. تهران، نشر گستره.
- پرهام، ب. (ترجمه). ۱۳۷۷. مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، آرون، ر. انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- زکی، م.ع. ۱۳۸۸. بیگانگی اجتماعی جوانان، (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه های اصفهان). پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۳(۲): ۲۵-۵۱.
- فولادوند، ع. (ترجمه). ۱۳۷۷. بیگانگی و از خودبیگانگی، در خرد در سیاست، پتروویچ، ک. طرح نو، چاپ دوم، تهران.
- فولادوند، ع. (ترجمه). ۱۳۷۲. آشنایی با فلاسفه بزرگ، مگی، ع. خوارزمی، تهران، چاپ اول.
- قادرزاده، امید. رادمان، مهدی. ۱۳۹۷. بی تفاوتی اجتماعی جوانان و گسست اجتماعی- فرهنگی (مطالعه پیمایشی جوانان شهر بوکان، (فصلنامه علوم اجتماعی، ۲(۵)، ۲-۵.
- گاردوی، ر. ۱۳۶۲. در شناخت اندیشه هگل، ترجمه باقر پرهام، تهران: آگاه.
- محسنی تبریزی، ع. ۱۳۸۱. آسیب شناسی بیگانی اجتماعی- فرهنگی، بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه های دولتی تهران. فصلنامه برنامه ریزی و پژوهش در آموزش عالی، فصلنامه. ۲(۶): ۱۸۲-۱۱۹.
- محسنی تبریزی، ع. ۱۳۸۲. بیگانگی فعال و بیگانگی منفعل،
- مطالعه موردی دانشجویان ایرانی. نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۲(۲): ۱۴۶-۱۳۱.
- Berger, P.1980. the sociology of religion, Journal of Classical Sociology, 2 (6): 25-43.
- Daugherty, T., K & Linton, J. 2004. Assessment of social alienation: psychometric properties of the SACS-R", Social Behavior And Personality,2(8): 323-328 .
- Delaney, T.2004. Classical Social Theory, Aburn, NY: Legend Books.
- Dean, D.G. 1960. Alienations and political apathy, social forces Journal, 3(83): 185-189.
- Friedberg, R .1983. The lonely, Isolating, and alienating implications of myalgic encephalomyelitis / chronic fatigue syndrome, Jornaol od Socilogy, 1 (3), 25-53.
- Jones, M. 2008. Anxiety and containment in the risk society: theorizing young people and drug prevention policy. International Journal of Drug Policy, 1(5):367- 376.
- Luthans, F. 2006. Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction, Personnel psychology 60(3):541-572
- Masi, CM., Chen, H., Hawkley, C., Cacioppo, T. 2014. A met analysis of interventions to reduce loneliness. Peers Sociology Psychological Review 15(3):219-266
- Matthew, T., Danese, A., Wertz, J., Ambler, A., Arseneault, L. 2017. Social isolation, loneliness and depression in young adulthood: a behavioral genetic analysis, Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol, 2 1: 1-

- Shankar, A., Hamer, M., McMunn, A., Steptoe, A. 2015. Social isolation and loneliness: relationships with cognitive function during 4 years of follow-up in the english longitudinal study of ageing. *Psychosomatic Medicine*, 7(5):161-170
- Swami, V . 212. Psychometric evaluation of the Malay satisfaction with life scale, *Social Indicators Research*, 9(2): 25-33.
- Tavis, I. 1969. Changes in the form of alienation: the 1900's vs. the 1950's, *American Sociological Review*, 1(3): 46 - 57.
- Tiwari, p., Ruhela, S. 2015. Social isolation & depression among adolescent: A comparative perspective, 2nd International Conference on Social Science and Humanity, IACSIT Press, Singapore.
- Victor, C.R. &Yang, K.M. 2015. The prevalence of loneliness among adults: a case study of the United Kingdom. *Journal of Psychology*, 1(46):85-104
- Yinger, J., & Milton, A. 1977. A Comparative study of the substructures of religion", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 1(16):67-86.
- 29.
- Mohan, J. & Tiwana, M. 1999. Personality and alienation of creative writers: a brief report, *Journal of Personality and Individual Differences*, 8(3): 1-21.
- Murray, K. 2010. The dark side of religion, spirituality and the moral emotions: Shame, guilt, and negative religiosity as markers for life dissatisfaction. *Journal of Pastoral Counseling*, 4(2): 22-41.
- Ogders CL, Caspi A, Bates CJ, Sampson RJ, Moffitt TE .2015. Systematic social observation of children's neighborhoods using Google Street View: a reliable and cost-effective method. *J Child Psychological Psychiatry*, 5(31):1009-1017.
- Rayce, SL., Holstein, BE., Kreiner., S. 2012. Aspects of alienation and symptom load among adolescents. *Journal of Public Health*, 1(91): 79-84.
- Seligman, M.2014. Positive psychology: An introduction, Springer, 3(25): 111-121.
- Seeman, M. 1966. Status and identity: the problem if inauthenticity, *American Sociological Review*, 9(12): 350-373.

The Analysis of Effective Factors on Decreasing Alienation of the Rural Youth, Case Study: Ardabil County

Vakil Heidari Sareban^{1*}

Submitted: 27 April 2020 Accepted: 3 April 2021

Abstract

The aim of the present study was to analysis of effective factors on decreasing of rural youth social alienation decreasing in the Ardabil County. The research method was analytical -explanative survey type. It can be said that studied population in this study consists of all youth living in rural areas of Ardabil County in 2016 (N= 49297), among which 382 persons were selected as statistical sample using Cochran formula. Sample size was determined based on the Cochran's formula and the required data were collected through questionnaires. Content validity of the questionnaire was confirmed by professors and experts and its reliability was determined based on Cronbach's alpha (0.79-0.85). In order to analyze the data, factor analysis model was used and the results of this model showed the most important factor reduction of youth social alienation in studied region includes four components (reinforcement of social capital, reinforcement of psychological capital, reinforcement of cognitive capacities and religion believes and promotion of enjoiment and overcoming of happiness space and hope) that explained variance and the cumulative variance by the five factors 61.62.

Keywords: Self-Alienation, Youth, Crisis Identity, Rural Development, Ardabil County.